



## آموزه‌های اجتماعی و سیاسی داستانک شیر و خرگوش از کلیله و دمنه

پوهاند مطیع الله حکیمی و پوهندوی دکتور شرافت‌الله حقجو

اعضای کادر علمی دیپارتمنت زبان و ادبیات فارسی دری پوهنتون تخار

ایمیل: [mati.hakimi@gmail.com](mailto:mati.hakimi@gmail.com)

### چکیده

داستانک شیر و خرگوش در کلیله و دمنه، آموزه‌های فراوان اجتماعی و سیاسی دارد که هر کدام از آن‌ها در علوم جامعه‌شناسی و سیاست معاصر نیز مورد بحث قرار می‌گیرد. هدف این تحقیق بررسی آموزه‌های اجتماعی و سیاسی این داستان است که رعایت آن‌ها در اجتماع توسط رهبران، آگاهی، بیداری، آرامش، رفاه و نجات از خطرهای تهدیدهای بیرونی را در پی دارد. پژوهش حاضر با روش کیفی انجام شده و در آن اطلاعات با بهره‌جویی از مرور آثار نوشته‌شده در باره‌ی تحلیل محتوایی کلیله و دمنه و نیز زمینه‌های جامعه‌شناسی، سیاست و مدیریت گردآوری شده و با تحلیل محتوایی متن کتاب نکته‌های مرتبط به موضوع برون آورده شده است. مطالعه و کاوش در متن داستان شیر و خرگوش نشان می‌دهد که مسایل و نکات تربیتی اجتماعی فراوانی در آن نهفته است که شامل مطالعه‌ی مستمر اوضاع، کنترل اوضاع، داشتن رهبر هوشیار و آگاه، نیاز به رهبری و مدیریت جامعه در اوضاع بحرانی، مدیریت خطر و بحران، خطرپذیری، ویژگی‌های رهبر و نقش قدرت تفکر، برنامه‌ریزی، اجراء و عمل و جرأت و شهامت در مقابله با خطر می‌شود. ژرف‌اندیشی در متن قصه و برون آوردن مفاهیم یادشده نشان می‌دهد که قصه‌پردازان هند باستان و نویسندگی مترجم اندیشه‌های متنوع و مفید اجتماعی و سیاسی را در هر بخش از متن داستان هوشمندانه در قالب داستان به ظاهر ساده جای داده‌اند، طوری که اندیشمندان معاصر در قالب نظریه‌های پیچیده آن را مطرح می‌کنند.

واژه‌های کلیدی: جامعه، جانوران، خطر، رهبری، سیاست، مدیریت.

## Social and Political Teachings of the Story of the Lion and the Hare from *Kalila and Dimna*

### Abstract

The story of the Lion and the Hare in *Kalila and Dimna* contains numerous social and political teachings, each of which is also discussed in contemporary sociology and political science. The aim of this study is to examine the social and political lessons embedded in this story, whose observance by leaders within society can lead to awareness, vigilance, stability, welfare, and protection from external dangers and threats. The present research was conducted using a qualitative method. Data were collected through a review of existing works on the content analysis of *Kalila and Dimna*, as well as literature in the fields of sociology, politics, and management. Relevant themes were extracted through textual content analysis of the book. An in-depth examination of the story of the Lion and the Hare reveals numerous socio-educational themes, including continuous assessment of circumstances, situational control, the necessity of an alert and knowledgeable leader, the need for leadership and management during times of crisis, risk and

crisis management, risk-taking, leadership qualities, and the role of critical thinking, planning, implementation, action, courage, and bravery in confronting danger. A profound reflection on the narrative and the extraction of these concepts demonstrate that the storytellers of ancient India and the translator-author skillfully embedded diverse and valuable social and political ideas within each section of this seemingly simple tale. These ideas are articulated by contemporary scholars in the form of complex theoretical frameworks.

**Keywords:** society, animals, danger, leadership, politics, management.

#### مقدمه

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على سيدنا محمد وآله وصحبه اجمعين.

قصه‌ها و حکایت‌های تمثیلی روایت‌شده در میان ملل متمدن شرق در دوره‌های باستان، گنجینه‌های ارزشمندی از آموزه‌ها، درس‌ها و عبرت‌های انسانی را در دل خود دارند. قصه‌پردازان بسیاری از نکته‌ها و اندیشه‌های اجتماعی و تقاضای جامعه‌ی بشری را که بایستی مردم و رهبران در رعایت آن توجه داشته باشند، در قالب حکایت‌های تمثیلی و نمادین ارایه کرده‌اند. یکی از اهداف این قصه‌پردازی‌ها، ارایه‌ی مفاهیم و آموزه‌های اجتماعی و سیاسی و نصیحت به بزرگان و پادشاهان به گونه‌ی غیر مستقیم است. بررسی تاریخ حکومت‌ها و حکومت‌داری در شرق باستان، نشان می‌دهد که نظام فرمان‌روایی در جوامع شرقی تک‌فردی بوده و پادشاه و فرمان‌روا پس از تسلط بر یک کشور و سرزمین، نوعی از تقدس می‌یافت که هیچ‌گونه نقد و خرده‌گیری را بر نمی‌تافت. از همین رو ناقدان به نمادگرایی و نقد نظام‌های حاکم در قالب ادبیات نمادین، از جمله داستان و قصه روی آورده‌اند. قصه‌های حیوانات و آن‌هم از زبان خودشان در کتاب کلیله و دمنه به همین منظور و برای جلوگیری از برانگیختن حساسیت‌های اجتماعی و واکنش‌های فرمان‌روایان و حفظ امنیت و مصونیت گویندگان و راویان آن‌ها صورت گرفته است. هرکدام از این داستان‌ها می‌تواند از جنبه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، مدیریتی و روانی، کالبدشکافی، تجزیه و تحلیل و معناکاوای شود. کلیله و دمنه نشان می‌دهد که ادبیات چگونه برای ادای وظیفه‌ی اخلاقی، اجتماعی و سیاسی تلاش می‌کند و با زبان نمادین رویدادهای سیاسی و پیامدها و درس‌های آن را به رخ خواننده می‌کشد؛ به مردم درس آزادی‌خواهی و به فرمان‌روایان درس آزادگی می‌دهد (فتحی و همکاران، ۲۰۱۹، ص. ۲۶۳).

داستانک کوتاه هلاکت شیر ستم‌کار و مستبد به دست خرگوش باتدبیر و دانا در ضمن داستان شیر و گاو و در جریان گفتگوی کلیله و دمنه در باره‌ی گاو آورده شده است؛ جایی که صحبت از نیروی جسمی و عقلی گاو به میان می‌آید، «کلیله گفت: گاو را که با قوت و زور، خرد و عقل جمع است به مکر با او چه گونه دست توان یافت؟ دمنه گفت: چنین است. لکن به من مغرور است و از من ایمن، به غفلت او را بتوانم افکند. چه کمین غدر که از مأمّن گشایند جای‌گیرتر افتد، چنان‌که خرگوش به حیلت شیر را هلاک کرد» (منشی، ۱۳۸۲، ص. ۸۱). و پس از آن داستان آغاز می‌شود. در واقع در همین پیش‌زمینه‌ی داستان، نویسنده به آموزه‌های آن فشرده اشاره می‌کند. این‌که قوت بازو و نیروی جسمی اگر با نیروی خرد و اندیشه یک‌جا شوند، اسباب نجات و کامیابی در برابر مکر و فریب دشمن را فراهم می‌سازند. اما در نهاد افراد با وجود این قوت‌ها، ضعف‌هایی می‌تواند نهفته باشد که آن‌ها را از تأثیرگذاری باز می‌دارند. غرور، خودبزرگ‌بینی، دست کم گرفتن دشمن، اعتماد ناسمجیده به او و ایمنی کامل از توانایی رقیب، عواملی تلقی می‌شوند که زمینه‌ی فریب خوردن و شکست را مساعد می‌سازند. این حقایق در داستانک شیر و خرگوش به گونه‌ی تمثیلی و در رفتارهای نمادین آن‌ها بازتاب یافته‌اند.

اگر این قصه، با نگاه ژرف واکاوی شود، درس‌ها و آموزه‌های فراوان اجتماعی و سیاسی در خود نهفته دارد که تعمق در آن‌ها مایه‌ی عبرت اندیشمندان خردورز قرار می‌گیرد. تحقیق حاضر به منظور شناسایی و بیرون آوردن همین آموزه‌ها از متن داستان صورت گرفته است.

### بیان مسأله

هرکدام از داستان‌های کتاب کلیله و دمنه و از جمله داستان کوتاه شیر و خرگوش، نکته‌ها و آموزه‌های ارزشمند اجتماعی و سیاسی دارد که در قالب گفته‌ها و تعامل‌های پندآمیز حیوانات به گونه‌ی نمادین بازتاب یافته‌اند. این آموزه‌های نهفته در دل داستان‌ها را می‌توان با خوانش ژرف‌بینانه و معناکاوای دقیق از نگاه جامعه‌شناختی و سیاسی، بیرون آورد و به دست داد. در روحیه و رفتار جانوران مرغزار که تن به ظلم و ستم داده و تسلیم خواسته‌های پادشاه ستمکار جنگل شده‌اند، در پدید آمدن حس انتقام نزد خرگوش که همراه این گروه از جانوران می‌زیست و از ظلم و ستمی که بر آن‌ها می‌رفت رنج می‌برد، سرانجام تصمیم، برنامه‌ریزی و اجرای طرح نابودی شیر توسط او و رهایی گروه از استبداد، نکته‌های آموزنده‌ی فراوانی نهفته است که از لحاظ اجتماعی برای مردم و از نگاه سیاسی برای رهبران جامعه، مفید و سودمند است. در پژوهش حاضر، این آموزه‌ها در روشنایی تحلیل متن و ساختار داستان و نیز مسایل مطرح در جامعه‌شناسی، مدیریت و سیاست امروز بازخوانی و تفسیر می‌شوند.

### پرسش‌های تحقیق

#### پرسش اصلی

عمده‌ترین آموزه‌های اجتماعی و سیاسی در داستانک شیر و خرگوش کدام‌هایند؟

#### پرسش‌های فرعی

۱- کدام مفاهیم و اندرزهای اجتماعی در داستان نهفته است؟

۲- در این داستانک چه درس‌ها و عبرت‌های سیاسی نهفته است؟

### اهداف تحقیق

#### هدف اصلی

بیرون آوردن آموزه‌های عمده‌ی اجتماعی و سیاسی از داستان شیر و خرگوش و بیان کارایی و تأثیر آن در زندگی اجتماعی، روابط انسانی، سیاست مَدَن، رهبری و مدیریت جامعه.

#### اهداف فرعی

۱- تحلیل محتوای داستان و بیان درس‌ها و اندرزهای اجتماعی و کاربرد آن در جامعه‌ی امروزی؛

۲- بیرون آوردن نکته‌های مدیریتی، ویژگی‌های رهبری مؤثر و بیان مفاهیم سیاسی نهفته در داستان برنئاساس نیازها و روابط جوامع انسانی معاصر.

### پیشینه‌ی تحقیق

کتاب کلیله و دمنه پس از ترجمه‌ی آن به زبان فارسی دری توسط ابوالمعالی نصرالله منشی در دربار غزنوی همراه با اضافات ادبی بر آن، از سوی ادب‌شناسان، منتقدان و سبک‌شناسان ادبی، شارحان متون کلاسیک و تحلیل‌گران نشر فارسی، به وفور تجزیه، تحلیل و موشگافی شده است. متن این کتاب و شیوه‌ی نگارش آن از نگاه کاربرد صنایع ادبی، فنون آرایش سخن و ویژگی‌های زبانی و واژگانی، از سوی سبک‌شناسان نثر؛ مثل ملک الشعراء محمد تقی بهار، حسین خطیبی، سیروس شمیسا و . . . بررسی و تحلیل شده است. از

نگاه محتوایی نیز این کتاب به حیث مجموع و نیز به صورت مقایسی با کتاب‌های منظوم و منثور دیگر که محتوای مشابه دارند، از سوی پژوهشگران زیادی تحلیل و بررسی شده و درون‌مایه‌های گوناگون آن را در رساله‌ها و مقاله‌های تحقیقی شرح داده‌اند. از جمله عنایت‌الله شریف‌پور و محتشم کاشانی (۱۳۸۷)، اندیشه‌ی سیاسی در کتاب کلیله و دمنه، جواد دهقان‌یان (۱۳۹۰)، بررسی کارکرد قدرت و فرهنگ سیاسی در کلیله و دمنه، محمد آهی و فاطمه مربانی ممدوح (۱۳۹۳)، عمل‌گرایی (پراگماتیسم) در کلیله و دمنه، فاطمه شیخ‌لووند و ته‌مینة مستعلی‌زاد (۱۳۹۵)، بررسی اخلاق مدیریتی در کلیله و دمنه، جواد کیوتری (۱۳۹۷)، بررسی تطبیقی سیاست‌مدن در گلستان سعدی و کلیله و دمنه‌ی عربی، ماندانا رجایی دستغیب و همکاران (۱۳۹۹)، شاخص‌های کشورداری مطلوب در کلیله و دمنه، مهدی فت‌حی و همکاران (۲۰۱۹)، سیمای حکومت‌داری در سده‌های پنجم و ششم هجری با تکیه بر کلیله و دمنه، سیدکاظم سیدباقری و مهدی حسنی باقری شریف‌آباد (۱۴۰۰)، خوانش اندیشه‌ی سیاسی نصرالله منشی در مقدمه‌ی کلیله و دمنه‌ی بهرام‌شاهی بر اساس روش هرمنوتیک قصد‌گرایی اسکینر، هر کدام به بررسی برخی از مفاهیم اجتماعی و سیاسی نهفته در داستان‌های کلیله و دمنه و اندیشه‌ی نصرالله منشی و جو زمانه‌ی زندگی او پرداخته‌اند.

تفاوت عمده‌ی این تحقیق با تحقیقات پیشین در آن است که تمرکز ویژه بر یکی از داستان‌های فرعی و مشهور این کتاب دارد که سوژه‌ی بسیاری از قصه‌ها برای ادبیات کودکان و نوجوانان و نیز نمایش‌ها و حکایت‌ها بوده است. اما، با وجود آشکار بودن بسیاری از نکته‌های آموزشی و تعلیمی آن، بیشتر توجه قصه‌گویان و نمایش‌ها، بر جنبه‌های سرگرم‌کنندگی آن متمرکز بوده است. این داستانک در مثنوی معنوی مولوی زیر عنوان «خرگوشی که به حیلت شیر را هلاک کرد» بازتاب یافته و مولانا مفاهیم متعدد کلامی و عرفانی مربوط به قضا و قدر و سرنوشت انسان و جامعه؛ از قبیل جهد و توکل، جبر و اختیار، مذمت حرص و افزون‌طلبی و جهاد با نفس را از آن بیرون آورده است که بیان‌گر تأثیرپذیری مولانا از کلیله و دمنه است. درس‌ها و اندرزهای اجتماعی و نکته‌های سیاسی و مدیریتی این داستانک، در تحقیقات گذشته به صورت ویژه دقت و مطالعه و نشده‌اند. تحقیق حاضر با توجه به نیازهای اجتماعی و سیاسی جامعه‌ی انسانی، به داستان نگریسته و نکته‌ها و اندرزهای نهفته در آن را از خلال بازخوانی متن بیرون آورده و به خورد مخاطبان خواهد داد.

### روش تحقیق

این تحقیق، به روش کیفی و تحلیل محتوایی، با بهره‌جویی از آثار و مطالعات گذشته و گردآوری معلومات از منابع علمی و ادبی مرتبط به تحلیل کتاب و متون جامعه‌شناسی، سیاست، مدیریت، انجام شده است. جامعه‌ی آماری و مورد مطالعه داستانک خرگوشی است که شیر را به حیل هلاک کرد، که یکی از داستان‌های فرعی از «باب الاسد و الثور» در کتاب کلیله و دمنه است.

### ساختار محتوایی داستان از منظر جامعه‌شناسی سیاسی

در کتاب کلیله و دمنه سرنوشت و انجام کار پادشاهان ستم‌گر از طریق داستان‌های جانوران تمثیل شده است تا هر ستمگری در آینه‌ی آن به شیوه‌ی کار خود و پیامد آن بیندیشد (شیخ‌لووند و مستعلی‌زاد، ۱۳۹۵، ص. ۱۵۴). نصرالله منشی خواسته است از خلال ترجمه‌ی این قصه‌ها و اضافات خویش بر آن، شرایط و اوضاع اجتماعی و سیاسی زمان خویش را بازتاب دهد و راه و رسم بیداری و آگاهی را به مردم و حکام معاصر نشان دهد (سیدباقری و حسنی باقری، ۱۴۰۰، ص. ۹۹).

آیین کشورداری، شهریاری، اداره و رهبری امور مردم و رعیت، به حکمت عملی نیازمند است که پادشاهان و امیران باید آن را بیاموزند. بخشی از حکمت عملی را سیاست‌مدن تشکیل می‌دهد که مفهوم امروزی آن تنظیم روابط سازمان‌های دولتی با مردم و روابط افراد اجتماع با سازمان‌های دولتی و روابط میان دولت‌ها را در بر می‌گیرد. پابندی زمامداران به حکمت عملی و سیاست مدن، از ظلم و

بی‌عدالتی جلوگیری می‌کند (کبوتری، ۱۳۹۷، ص. ۲۸۰). کتاب کلیله نمونه‌یی از متن ادبی - سیاسی است که اغلب مفاهیم سیاسی را با ارزش‌های اخلاقی می‌آمیزد و به ارابه‌ی راه‌کارهای کشورداری می‌پردازد و از خلال آن نکته‌ها و آموزه‌های اجتماعی و سیاسی را به خورد مخاطبان می‌دهد (آهی و مهربانی ممدوح، ۱۳۹۳، ص. ۶۴).

در داستان‌های حیوانات در کلیله و دمنه هر گاه تمثیل از شیوه‌ی حکومت‌داری در میان باشد، شیر نماد پادشاه بوده و در رأس هرم قدرت و سطله‌ی بلامنازع قرار دارد، در قصه‌هایی که شیر حضور نداشته باشد، قدرت بلامنازع و مطلقه هم وجود ندارد. منشأ و سبب کسب قدرت مطلقه هم زورمندی و توان فیزیکی قوی است که دیگران را وادار به تسلیمی و اطاعت می‌کند (دهقانیان، ۱۳۹۰، ص. ۹۴).

مطالعه‌ی شیوه‌ی رسیدن به قدرت و حفظ آن در آریانای باستان و خراسان عهد اسلامی هم این گونه بوده است و افزون بر آن، به قدرت و سلطه‌ی پادشاه جنبه‌ی تقدس داده و هیبت او را الهی و خداداد می‌دانستند، آن گونه خواجه نظام‌الملک بدان اشاره دارد: «ایزد تعالی اندر هر عصری یکی را از میان خلق برگزیند و او را به هنرهای پادشاهانه ستوده و آراسته گرداند و مصالح جهان و آرام بندگان را بدو باز بندد و در فساد و آشوب و فتن بدو بسته گرداند و هیبت و حشمت او در دل‌ها و چشم خلائق بگستراند تا مردمان اندر عدل او روزگار می‌گذرانند و ایمن می‌باشند و بقای دولت او می‌خواهند...» (سیاست‌نامه، ۱۳۴۴، ص. ۷). از خلال داستان مذکور به برخی از آموزه‌هایی می‌توان دست یافت که لازمه‌ی زندگی اجتماعی - سیاسی مردم و رهبران جامعه پنداشته می‌شوند.

#### ۱- نیاز به رهبر دانا در شرایط دشوار اجتماعی

در شرایط دشوار و خفقان آور که همه طعم سخت و تلخ ظلم و تک‌روی و اتلاف حقوق و امتیازهای عامه را می‌چشند و فضای استبداد عرصه را برای آزاداندیشی و تصمیم‌گیری تنگ و دشوار می‌سازد، ممکن است رهبران شجاع و بزرگ اگرچی اندک و انگشت‌شمار ظهور کنند و به تغییر بیندیشند. اوضاع دشوار، سختی‌ها و ناهنجاری‌های آن خود زمینه‌ساز اندیشیدن شماری از افراد به چاره‌ی رهایی و اقدامی برای نجات است که راه را برای ظهور رهبری جدید هموار می‌سازد.

رهبری عمل تأثیرگذار بر افراد است که از روی میل و خوشنودی برای یک هدف مشترک و گروهی صورت می‌گیرد. در رهبری، فردی رفتارهای و تلاش‌های مشارکتی را سازمان‌دهی می‌کند تا افراد به سمت رسیدن به هدف مشترک با اشتیاق و علاقه‌مندی حرکت کنند (رحمتی کوه‌رودی و مصطفوی، ۱۳۹۵، ص. ۳). کار مهمی که رهبر انجام می‌دهد خلق انگیزه، امید دادن، سازمان‌دهی اقدامات و ممکن جلوه دادن دستاوردهای بزرگ است. در این داستانک خرگوش نماد رهبر اندیشمندی است که با مطالعه و پی‌گیری اوضاع، از ظلم و ستم بر جامعه‌ی خویش رنج و درد کشیده است؛ اما شاید به دلایلی هیچ فرصت و چانس برای در میان گذاشتن رأی و نظرش با دیگر جانوران را نیافته بود، جز همین فرصت که «یک روز قرعه بر خرگوش آمد» (منشی، ۱۳۸۲، ص. ۸۲).

نفس درونه‌گیری قصه در قصه‌ی دیگر نشان‌دهنده‌ی پیچیدگی لایه‌ها و عناصر درونی وجود انسان است که طبع، نفس، عقل، عاطفه، روان و مغز در هر داستان جلوه‌هایی از آن‌ها را به تصویر می‌کشد (رجایی دستغیب و همکاران، ۱۳۹۹، ص. ۶۰). جامعه در هر حالتی به رهبر و مدیر دانا، کارآزموده و تصمیم‌گیرنده نیاز مبرم دارد تا امور اجتماع را تنظیم و نیازهای آن را تأمین کند. در شرایط بحرانی و وجود خطرهای پیرامونی، نیاز به چنین رهبری به مراتب افزایش می‌یابد؛ اما جامعه، در شرایط دشوار و سخت اجتماعی و سیاسی، از میان توده‌های رنج‌دیده و ستم‌کشیده، رهبران و مبارزانی را در قلب خود می‌پرورد که سخت‌کوشی، تدبیر، جرأت و شهامت‌شان متناسب مواجهه با خطرها و موانع موجود بر سر راه باشد.

## ۲- خصوصیات رهبر

زندگی جمعی که بر تعامل و همکاری افراد با یکدیگر استوار باشد، مستلزم داشتن نقش رهبری یکی یا چندتن از افراد گروه برای اداره و سازمان‌دهی امور اجتماعی آنهاست. از همین رو زندگی انسان‌ها در بدوی‌ترین حالت آن و حتا زندگی جانوران خالی از نقش رهبری نبوده است. اما با پیشرفت زندگی انسان و شکل‌گیری نظام‌ها و سازمان‌های اجتماعی سیاسی در سطوح کوچک و بزرگ، مطالعه و بررسی نقش رهبری در سازمان‌دهی امور این سازمان‌ها نیز رشد قابل ملاحظه داشت، چنان‌که مکتب‌ها، روش‌ها و سبک‌های مختلف رهبری و نیز مدیریت ظهور کرد. هر کدام از این مکتب‌ها به مطالعه‌ی ویژگی‌هایی در وجود رهبر پرداختند که او را در کار رهبری و سازمان را در پیشرفت و ترقی آن یاری می‌رساند. همین‌گونه جوامع مردمی نیز در پیمودن مسیر پیشرفت و ترقی، فایده‌ی آمدن بر چالش‌ها و خطرها و دست یافتن به رفاه و آرامش فزینگی و روانی، نیاز به سازمان‌دهی امور اجتماعی و سیاسی خویش به شیوه‌ی مؤثر و متناسب با تقاضای زمان و جهان دارد. از جمله شیوه‌های رهبری، سبک‌های رهبری تعامل‌گرا و رهبری تحول‌گرا هستند که یکی تکمیل‌کننده‌ی دیگری است.

در این جا با بهره‌جویی از محتوای داستانک شیر و خرگوش، برخی از ویژگی‌های رهبری مؤثر مطالعه می‌شود.

### الف) نیروی خرد و اندیشه

میدان حکومت‌داری، به صفحه‌ی شطرنج می‌ماند که خرد و هوش و نیز کنش رهبر را به آزمون می‌کشد، خرد و دانش نیروهایی‌اند که رهبر را در ایستادگی مقابل دشمنان یاری می‌رساند و میزان کارگیری از آنها شکست یا پیروزی را در پی دارد (شیخ‌لووند و مستعلی‌زاد، ۱۳۹۵، ص. ۱۴۵). در رهبری جامعه در حالات دشوار و بحرانی به سوی ساحل نجات، به خرد و اندیشه‌ی ژرف‌بین و مبتکر نیاز است تا به راه‌کارهای تازه‌ای بیندیشد که رقیب را غافل‌گیر کرده و از پا در آورد تا مجالی برای بازاندیشی و سازمان‌دهی نجات خویش نداشته باشد. در این داستانک، خرگوش با نیروی خرد و تیزهوشی به هلاک شیر می‌اندیشد، و با یک طرح ابتکاری چنین می‌کند: «او ساعتی توقف کرد تا وقت چاشت شیر بگذشت، پس آهسته نرم نرم روی به سوی شیر نهاد. . . گفت: در صحبت من خرگوشی فرستاده بودند، در راه شیری از من بستند، من گفتم 'این چاشت ملک است'، التفات نمود و جفاها راند و گفت 'این شکارگاه و صید آن به من اولی‌تر، که قوت و شوکت من زیادت است'. من بشتافتم تا ملک را خبر کنم» (منشی، ۱۳۸۲، ص. ۸۲).

خرد و دانش از ویژگی‌های لازم برای رهبری جامعه است که با آن سازوکارهای کشورداری و سیاست‌مدان سامان می‌گیرد. خواجه نظام الملک در دیباچه‌ی سیاست‌نامه به این موضوع چنین اشاره می‌کند: «... پس از بندگان یکی را به توفیق ایزدی سعادت و دولتی حاصل شود و او را حق تعالی بر اندازه‌ی او اقبالی ارزانی دارد و عقلی دهد که او بدان عقل و علم زبردستان خود را هر یک بر اندازه‌ی خویش بدارد و هر کی را بر قدر او مرتبتی و محلی نهد و خدمت‌کاران و کسان ایشان را از میان مردمان برگزیند» (سیاست‌نامه، ۱۳۴۴، ص. ۸).

### ب) محرم نگه‌داری اطلاعات امنیتی

در جهان معاصر و در مقابله و مواجهه‌ی قدرت‌ها با یکدیگر محرم نگه‌داشتن اطلاعات خاص امنیتی به عنوان رازهایی که رهبران را در اجرای به موقع طرح‌های شان کمک کند، فوق‌العاده مهم پنداشته می‌شود، زیرا در صورت فاش شدن اطلاعات امنیتی و طرح رهبری به مردم عام، احتمال رسیدن خبر به دشمن توسط جاسوسان و خبرگزاران نفوذی، وجود دارد. در این صورت مؤثریت هر طرحی قبل از اجرا خنثا خواهد شد، زیرا دشمن برای مقابله با آن برنامه‌ریزی کرده و آمادگی خواهد گرفت. خرگوش به گروه جانوران می‌گوید: «اگر در فرستان من ساعتی توقف کنید، من شما را از جور این جبار خون‌خوار باز رهانم» (همان). اما از تدبیر و تصمیم خود چیزی

نمی‌گوید، تا مبادا به دشمن افشا شود، یا با مخالفت‌های درونی و بگومگوهای همراهان روبه‌رو شده و در اجرای آن تأخیر صورت گیرد.

هرگاه رهبر یا زمام‌دار، راز و سری ناگفتنی داشته باشد، که حفظ آن را لازمی می‌داند، نباید به کسی هر چند نزدیک به او باشد فاش کند، زیرا ممکن است روزی به عنوان حربیه‌یی بر ضد او استفاده شود، و در اختیار دشمن قرار گیرد. به گفته‌ی سعدی «رازی که نهان خواهی، با کس در میان منه وگرچه دوست مخلص باشد، که مر آن دوست مخلص را دوستان مخلص باشند، همچین مسلسل» (سعدی، ۱۳۸۱، ص. ۱۸۸).

### ج) خطرپذیری همراه با جرأت و شهامت

در رهنمایی شیر به سوی چاه توسط خرگوش به رغم آن‌که احتمال داشت شیر به ساختگی بودن قصه و حيله‌گری در آن، پی‌برد و خرگوش و جانوران را به سختی مجازات کند؛ اما با این همه شهامت خویش را از دست نداد و با جرأت تمام همراه شیر به سوی چاه آب رفت: «خرگوش پیش ایستاد و او را به سر چاهی بزرگ برد که صفای آن چون آینه‌یی شک و یقین صورت‌ها بنمودی و اوصاف چهره‌ی هر یک بر شمردی» (همان، ۱۳۸۲، ص. ۸۲). اوج پذیرش خطر، اما در عین حال برای نمایش صدق خود و جلب اعتماد شیر به گفته‌ی خود این جاست: «گفت: [شیر مخالف] در این چاه است و من از وی می‌ترسم، اگر ملک مرا در بر گیرد، او را بنمایم» (همان، ص. ۸۳). این بخش از داستانک، از آن جهت اوج خطرپذیری تلقی می‌شود که خرگوش خود را در آغوش شیر قرار می‌دهد و احتمال آن دارد که شیر در همان حال بدون کنار گذاشتن او به داخل چاه خیز بردارد.

### د) مدیریت خطر و برنامه‌ریزی برای مقابله با آن

رهبر جامعه باید از حزم و دوراندیشی در مدیریت اوضاع کار بگیرد، شرایط را آگاهانه درک کند، و با کاربرد منطق والا، واقعیت‌ها را سازمان‌دهی و بررسی کرده و بر اساس اطلاعات تازه‌ی خویش، بتواند شیوه‌ها و نهادهای اجتماعی را تغییر دهد. وقتی جامعه با چالش و مشکلی از ناحیه‌ی رقیب مواجه است، رهبران باید بتوانند امور و پیامدهای آن را پیش‌بینی کنند و برای آن برنامه‌ریزی کنند (شیخ‌خلووند و مستعلی‌زاد، ۱۳۹۵، ص. ۱۴۵). یکی از ویژگی‌های رهبران توانا و مدبر این است که در هنگام بحران و روبه‌رو شدن با خطر، خردورزی و کنترل بر رفتار و اندیشه‌ی خویش را از دست نمی‌دهند، بلکه با تسلط کامل بر اعصاب و به‌کارگیری تفکر و تعقل، تدبیر و برنامه‌ی دقیقی برای مقابله با خطر و از میان برداشتن آن می‌سنجند و برای اجرای طرح خود، حتا بدون شریک ساختن آن با اطرافیان، وارد اقدام می‌شوند.

### ه) زیرکی و هوشیاری

با وجودی که جسامت، جایگاه و رسوخ اجتماعی در رسیدن فرد به رهبری جامعه و قبول رهبری او از سوی جامعه، نقش مهم دارد؛ اما دانش، آگاهی، زیرکی و هوشیاری، تدبیر و رأی صایب که نتیجه‌ی ملموس در پی داشته باشد، نقش مهم‌تر در رسیدن فرد به مقام رهبری و پیشوایی جامعه دارد. مردم ظاهربین هم همیشه قضاوت به جسم و جثه‌ی کلان می‌کنند، چنان‌که مولانا در نقل همین داستان با تفصیل بیشتر از آن‌چه در کلیله و دمنه آمده است، از زبان نخجیران در پاسخ به تصمیم خرگوش، می‌گوید:

هین چه لاف است این که از تو بهتران در نیاورند اندر خاطر آن

معجبی یا خود قضا مان در پی است ورنه این دم لایق چون تو کی است

(مولوی، دفتر ۱، ابیات ۱۰۰۶-۷)

خرگوش دانای این داستان هم در قناعت دادن قوم خود به مشکل روبه‌روست؛ اما همین رأی‌زنی و هوشیاری است که سرانجام موافقت همراهان خود را به دست آورد:

گفت ای یاران حقم الهام داد      مر ضعیفی را قوی رأیی داد

(همان، بیت ۱۰۰۸)

این سنت زندگی بشری است که کسانی که تن به ظلم داده‌اند، با وجود همه درد و رنجی که از آن تحمل کرده‌اند، کمتر می‌توانند باور کنند که فرد کوچکی از افراد جامعه‌شان بتواند در برابر ستم بایستد و ستمگر را از اریکه‌ی اقتدار بر زمین بیفکند. در داستان مبارزه‌ی موسی (ع) برای نجات بنی اسرائیل از ستم فرعون در وقتی که او قوم خود را به ایستادگی در برابر ظلم فرعون و پرستش خدا و یاری جستن از او فرا می‌خواند آنان می‌گویند: ﴿أُوذِينَا مِنْ قَبْلِ أَنْ تَأْتِيَنَا وَمَنْ بَعْدِ مَا جِئْتَنَا﴾ (الاعراف: ۱۲۹). گفتند: پیش از آن که به پیش ما بیایی (گرفتار شکنجه فرعون بوده‌ایم) و پس از آمدنت (هم از سوی او) اذیت و آزار شده‌ایم (و هم‌اکنون نیز دچار رنج و محنت و در معرض عذاب و عقاب هستیم. اما موسی (ع) به ایشان امید می‌دهد: ﴿عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَن يَهْلِكَ عِدْوَتُكُمْ وَيَسَّخَّرَ لَكُمْ فِي أَلْأَرْضِ فَيَنْظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ﴾ امید است که پروردگارتان دشمن‌تان را هلاک سازد و شما را در زمین جایگزین (او) گرداند تا ببیند چگونه عمل می‌کنید. (آیا راه صلاح یا فساد در پیش می‌گیرید، دادگری یا ستم می‌ورزید، شکر نعمت به جای می‌آورید یا کفران نعمت می‌کنید) (خرم‌دل، ۱۳۹۴ ص. ۵۵۵).

داستانک شیر و جانوران مرغزار در کلیله و دمنه شباهت‌های زیادی با داستان فرعون و بنی اسرائیل در قرآن کریم دارد. عمل‌کرد نظام فرعونی در اصطلاح سیاسی ابسولوتیسم یا حکومت مطلقه‌ی یک فرد مطالبی العنان بر جامعه است که خود را زمام‌دار و مختار تام بر همه شئون زندگی مردم می‌داند (پازارگاد، ۱۳۴۳، ص. ۲). بنی اسرائیل به ظلم و استبداد فرعون تن داده بودند و او فرزندان پسر و نوتولد ایشان را می‌کشت؛ اما موسی (ع) را که هلاکت فرعون به دست او رقم خورد، در آغوش قصر خود پرورش داد تا این‌که هنگام تعقیب خشم‌گینانه‌ی او و قومش، در دریا غرق شد. در این داستانک نیز جانوران تن به ظلم داده و تسلیم شیر خون‌آشام شده‌اند که که هر روز یکی از ایشان را کشته و می‌خورد، تا این‌که نوبت به خرگوش دانا و باتدبیر می‌رسد، او به سراغ شیر می‌رود، اما به قصد انتقام و رهایی گروه جانوران از ستم. شیر در حالی که از درد گرسنگی و آتش خشم می‌سوخت، او را در آغوش گرفته بر سر چاه می‌رود، و به برای انتقام به درون چاه خیز می‌برد و هلاک می‌شود.

بدین ترتیب رهبران زیرک و هوشیار که از بطن جامعه تولد می‌شوند، با ایمان و اعتقاد راسخ به نتایج کار خویش اقدام به مبارزه با ظلم می‌کنند و اندک‌اندک با اثبات توانایی خویش به جامعه بذرا امید را در دل مردم می‌کارند.

هر پیمبر امتان را در جهان      همچنین تا مخلصی می‌خواندشان

کز فلک راه برون‌شو دیده بود      در نظر چون مردمک پیچیده بود

مردمش چون مردمک دیدند خرد      در بزرگی مردمک کس ره نبرد

(مولوی، دفتر ۱، آیات ۱۰۰۲-۴)

### ۳- رشد حس انتقام در شرایط استبداد

یکی از اهداف مورد نظر کتاب کلیله همین است که هر جایی به سرنوشت ستمگران در قالب قصه‌های جانوران اشاره کند تا ستمگران متوجه این انجام کار خود در آن شوند (شریف‌پور و کاشانی، ۱۳۸۷، ص. ۵۷). باید ستمگر بداند که عاقبت ستم و جور و استبداد او ستم‌دیدگان را به ستوه آورده و روح انتقام‌جویی را در آنان زنده و تقویه می‌کند. چنان‌که سرانجام ظلم و بهره‌کشی شیر از جانوران،

آتش کینه را در خرگوش شعله‌ور ساخته و او را وادار به انتقام‌گیری می‌سازد، به همراهان خود می‌گوید: «اگر در فرستادن من توفقی کنی، من شما را از جور این جبار خون‌خوار باز رهانم» (منشی، ۱۳۸۲، ص. ۸۲). عبارت کوتاه «جبار خون‌خوار» از زبان خرگوش از لحاظ خوانش عاطفی متن بیان‌گر عمق مصیبت و زجر تاریخی است که جامعه‌ی حیوانی نمادین و در واقع گروه جانوران خموش و مظلوم از خون‌ریزی، ستم و بهره‌برداری پادشاه جنگل، تجربه کرده‌اند و جان‌شان بر لب رسیده است. جانوران دیگر که از مدت زیادی گذشته و از این ستم و ترس و وحشت به تنگ آمده‌اند، رضایت نشان می‌دهند «گفتند: مضایقتی نیست» (همان).

#### ۴- غرور و خودفریفتگی پرده‌ی عقل و خرد

قوت و زور بازو وقتی با عقل و خرد جمع آیند، از تأثیر مکر و حيله‌ی رقیب و جانب‌مقابل جلوگیری می‌کند؛ اما اگر خلل و ضعفی از ناحیه‌ی دیگر بر صاحب قدرت نفوذ کند و او در بررسی همه‌جانبه‌ی کار و امور خویش کوتاهی کند، قوت و نیروی او را بی‌تأثیر می‌سازد، حتا نتیجه‌ی برعکس می‌دهد و سبب می‌شود که نیروی او بلای جان‌ش گردد. این نکته را در گفته‌ی دمنه پیش از آغاز قصه‌ی شیر و خرگوش به وضوح می‌توان دید؛ جایی که کليلة می‌پرسد: «گاو را که با قوت و زور، خرد و عقل جمع است به مکر با او چه گونه دست توان یافت؟»، می‌گوید: «لکن به من مغرور است و از من ایمن، به غفلت او را بتوانم افکند» (منشی، ۱۳۸۲، ص. ۸۱).

#### ۵- برتری عقل بر حواس

خداوند متعال به منظور رهبری و رهنمایی انسان در زندگی این جهانی و نشان دادن مسیر هم‌زیستی او با سایر پدیده‌های طبیعی و فراطبیعی، نیروها و ابزارهایی را در وجود او آفریده است که هر کدام در حدود توانایی و استعداد خود، کاری را برای انسان انجام می‌دهد و زمینه‌ی شناخت او از پدیده‌ها و رویدادها را فراهم می‌سازد. یکی از ابزارهای کسب معرفت انسانی حس است. ابن سینا بدین باور است که حس صورت را از ماده و عوارض آن بیرون کشیده و اخذ می‌کند، بدین لحاظ احساس نوعی تأثیر بیرونی و دریافت صورت از اشیا خارجی است که از راه حواس به دست می‌آید؛ اما درک آن از راه فعالیت‌های ذهنی و حاصل می‌شود (کارآمد و بهشتی، ۱۳۹۳، ص. ۹۷).

حواس پنج‌گانه و ابزارهای مورد استفاده‌ی هر کدام، برای نشان دادن سود و زیان انسان با بهره‌جویی از تجارب خود، عمل می‌کنند. اما، حدود درک و دریافت حواس محدود است و افزون بر آن دچار عوارض و اشتباه‌هایی می‌شود که نمی‌تواند شماری از پدیده‌ها و رویدادها را به درستی درک کند. در نتیجه تکیه بر حواس همیشه کارساز نیست، چون در اثر مغالطه انسان را به تباهی می‌کشاند، همان‌گونه که در این داستان، شیر با ایستادن بالای چاه آب و دیدن تصویر خویش در آن، دچار مغالطه شد و تصویر خود را شیر دیگر پنداشت و بر آن هجوم برد و خویش‌ش را به چاه هلاکت انداخت: «خرگوش پیش ایستاد و او را بر سر چاه بزرگ برد که صفای آن چون آینه‌ی شک و یقین صورت‌ها بنمودی و اوصاف چهره‌ی هر یک بر شمردی... به چاه فرو نگریست، خیال خود و آن خرگوش بدید، او را بگذاشت و خود را در چه افکند و عوطی خورد و نفس خون‌خوار و جان مردار به مالک سپرد» (منشی، ۱۳۸۲، ص. ۸۳). حس بینایی در اثر عارضه‌ی جانبی ممکن است یکی را دو ببیند، عکس و نقش چیزی را اصل آن بپندارد. همین‌گونه هر کدام از حواس دیگر می‌تواند در اثر آسیب روانی یا جسمی از کار بیفتد و به درستی کم و کیف اشیا را تشخیص داده نتواند. در این داستان مستولی شدن خشم و غضب بر اعصاب و رفتار شیر سبب آن شد که او تسلط بر اعصاب خویش را از دست بدهد، در نتیجه دقت و تأمل را از دست داده و دچار اشتباه درک حسی شود.

محاسبه و سنجش عقل فراتر از درک حواس یافته‌های آن، عمل می‌کند؛ تجارب و پیامدهای رویدادهای گذشته و پیوند حوادث با یک‌دیگر را کنار هم نهاده و به سنجش و تحلیل آن‌ها اقدام می‌کند. اهداف و نیت‌های ناگفته و نهفته در پشت هر قصد و عملی را

بازخوانی می‌کند، تا دچار اشتباه و مغالطه نشود. شناخت حسی جزئیاتی را برای انسان فراهم می‌آورد و عقل کلیاتی را از آن به وسیله‌ی عمل تجرید انتزاع می‌کند. در عمل تجرید ذهن از امور حسی فراتر رفته و زمینه را برای دریافت صورت‌های کلی و عقلی فراهم می‌سازد. (کارآمد و بهشتی، ۱۳۹۳، ص. ۹۹). عقل بر اساس داده‌هایی که از بیرون وارد ذهن می‌شوند، کار می‌کند؛ استدلال می‌کند، نتیجه می‌گیرد و به داروی می‌نشیند. از این رو عقل داده‌های حسی را رنگ فراحسی می‌دهد (خیراللهی، ۱۳۹۱، ص. ۱۷۲).

عقل نیز در محاسبه‌ی خود به خطا می‌رود، و آن هنگامی است که داده‌های ناقص باشد یا دچار نقصان و گرفتار غفلت شود، چنان‌که در پیش‌زمینه‌ی این داستان به آن اشاره شده است: «کلیله گفت: گاو را که با قوت و زور، خرد و عقل جمع است به مکر با او چه‌گونه دست توان یافت؟ دمنه گفت: چنین است، لکن به من مغرور است و از من ایمن، به غفلت او را بتوانم افکند» (منشی، ۱۳۸۲، ص. ۸۱). در اثر مکر و حیله و وسوسه‌های بیرونی عقل نیز شکار فریب نفس و هوا می‌شود. از همین روست که خداوند سبحان انسان‌ها را متکی به حواس و عقل رها نکرده و در هر دوره‌ی از زمان وحی و پیام‌های آسمانی را همراه با فرستاده‌های خویش به یاری، دست‌گیری و رهنمایی آن‌ها فرستاده است.

## ۶- خشم مانع تدبیر و عاقبت‌اندیشی

خشم از جمله ویژگی‌ها و رفتارهای ناپسندیده‌ی انسانی است که در اثر آن خون فرد به جوش آمده، ضربان قلب او افزایش می‌یابد و حس انتقام و هجوم بر رقیب در وجود صاحب خشم نیرو می‌گیرد. در این حالت، نیروی خرد و تفکر انسان زیر اثر خشم قرار می‌گیرد و دوراندیشی در آن دشوار و حتا ناممکن می‌نماید. در این میان، خشمی که مایه‌ی آن ضرر نفس و محرومیت از هوا و خواسته‌ی آن باشد، به سبب این‌که خود برخاسته از کوبه‌بینی و خودخواهی و نفس‌پروری است، در آن مجالی برای تفکر و دوراندیشی نیست همین نوعی از خشم است که صاحبش را از خردورزی باز می‌دارد و او را در آتش خود می‌سوزاند. از همین روست که در آیات قرآن کریم از خموش ساختن آتش خشم فروردن آن ستایش شده و یکی از ویژگی‌های مؤمنان نیکوکار قلمداد شده است. در قرآن کریم می‌خوانیم:

«والذین یجتنبون کبائر الإثم والفواحش و إذا ما غضبوا هم یغفرون» (الشوری: ۳۷).

ترجمه: [مؤمنان راستین] کسانی‌اند که از گناهان بزرگ و زشتی‌ها خودداری می‌کنند و وقتی که خشم‌گین شوند، می‌بخشند.

و در احادیث نبوی مسلمانان از خشم‌گرفتن منع شده‌اند. در روایت ابوهریره (رض) آمده است:

«أن رجلاً قال للنبی (ص) أوصنی، قال: لا تغضب، فردد مراراً، قال: لا تغضب» (صحیح البخاری: ح ۶۱۲۰).

ترجمه: مردی به پیامبر (ص) گفت: مرا توصیه کن، فرمود: خشم‌گین مشو. این پرسش را بارها تکرار کرد، فرمود: خشم‌گین مشو. (این حدیث را امام بخاری در باب حذر از غضب روایت کرده است).

در این داستانک، تأخیر خرگوش در حضور یافتن به نزد شیر و گرسنگی و احساس فریب‌خوردگی از گروه جانوران، خشم نفسانی او را بر می‌انگیزد: «شیر را دل‌تنگ یافت آتش گرسنگی او را بر باد تند نشانده بود و فروغ خشم در حرکات و سکنات وی پدید آمده، چنان‌که آب دهان او خشک ایستاده بود و نقض عهد را در خاک می‌جست» (منشی، ۱۳۸۲، ص. ۸۲).

همین خشم و غضب و فوران آتش حقد و کینه نسبت به رقیب است که بر وجود او مستولی شده و فرصت تأمل و تفکر را به او نمی‌دهد؛ بلکه به سرعت و بدون تأنی تصمیم می‌گیرد: «شیر بخاست و گفت: او را به من بنمای» (همان). همین تصمیم عجولانه و بدون تدبیر و عاقبت‌اندیشی است که شیر را به چاه نیستی می‌اندازد.

## ۷- شادی از نابودی دشمن

پس از مرگ شیر به دست خرگوش دیده می‌شود که جانوران «همه بر مرکب شادمانگی سوار گشتند و در مرغزار امن و راحت جولانی نمودند . . .». در بیت عربی آخر این داستانک، به این واقعیت اشاره شده است که مرگ سرنوشت حتمی همگانی است؛ از این رو از مرگ کسی نباید شادی کرد، چنان‌که جانوران « . . . این بیت را ورد ساختند :

وَاللَّهِ لَمَ أَشْمَتٌ بِهِ فَالْكَلُّ رَهْنٌ لِلْمَمَاتِ  
لَكِنْ مِنْ طَيْبِ الْحَيَاةِ أَنْ تَرَى مَوْتَ الْعُدَاةِ»  
(منشی، ۱۳۸۲، ص. ۸۳)

یعنی: سوگند به خدا که به این کار شاد نشدم؛ چون همه گروگان مرگ‌اند؛ مگر از جمله خوشی‌های زندگی این است که مرگ دشمنان را ببینی. نویسنده‌ی داستان با آوردن این بیت تأکید بر آن دارد که بر مرگ دشمن نباید بیش از حد شادمانی کرد.

### نتیجه‌گیری

داستانک شیر و خرگوش از کتاب کلیله و دمنه حاوی درس‌ها و عبرت‌های اجتماعی و سیاسی است که با تعمق در متن داستان می‌توان آن‌ها را بیرون آورد. توجه به این نکته‌های آموزنده و رعایت آن‌ها در زندگی فرد، جامعه و رهبران جامعه را در تعیین خط مشی سالم یاری می‌رساند. از خلال بحث حاضر به آموزه‌های زیر می‌توان دست یافت:

۱. تن دادن به ظلم و استبداد و سکوت از آن، ستم‌کاران را جرأت بیشتر بخشیده و گستاخ‌تر می‌سازد؛
۲. اوضاع خفقان‌آور، ظلم و استبداد، حس انتقام را در مظلومان تقویت می‌کند و از خاکستر محرومیت آتش کینه را شعله‌ور می‌سازد.
۲. جامعه در هر حال و وضعی که باشد به رهبری و مدیریت نیاز دارد تا امور اجتماعی و سیاست خارجی آن را تنظیم کند. به خصوص در شرایط نابسامان، بحرانی و ظلم و استبداد نیاز به رهبری دارد که چاره‌ی رهایی از اوضاع ناگوار را در سر بیوراند، تصمیم بگیرد و در زمینه اقدام کند؛
۳. شرایط سخت و دشوار اجتماعی و سیاسی خود زمینه‌ی ظهور رهبران مقاوم و رهایی‌بخش از میان توده‌ها را مساعد می‌سازد؛ رهبرانی که زاده‌ی چنین اوضاعی باشند، سخت‌کوش، مدبر، فداکار و نترس بار می‌آیند؛
۴. رهبران موفق سیاسی در جامعه باید شماری از ویژگی‌های پسندیده‌ی انسانی را داشته باشند که آنان را در کار رهبری و مدیریت اوضاع به سوی تغییر، یاری رساند. عمده‌ترین این ویژگی‌ها تعقل و خردورزی، عاقبت‌اندیشی، جرأت و شهامت، خطرپذیری، توانایی مدیریت بحران، داشتن امید و اطمینان به آینده‌ی درخشان، داشتن نیروی حفظ اسرار و اطلاعات امنیتی، و داشتن شخصیت منضبط است که توان کنترل بر اعمال و رفتار خود و پرهیز از غرور، خشم، نفرت و دست‌وپاچگی را در اوضاع بحرانی داشته باشد؛
۵. در قضاوت‌ها و تصمیم‌گیری‌های اجتماعی و سیاسی، بایستی بر یافته‌های حواس، بدون به کار انداختن نیروی عقل و خردورزی، دست به کاری نزد؛
۶. عقل و حس هر دو از ابزارهای کسب شناخت و معرفت هستند، یافته‌های آن‌ها بر یک‌دیگر متکی و وابستگی دارد؛ اما عقل بر حواس برتری دارد. حس و عقل هر دو دچار آسیب‌دیدگی و اختلال می‌شوند و از کار می‌افتند. خشم، غرور و هیجان‌های بیش از حد مانع کار و تأثیر حس و عقل بر رفتار فرد می‌شود؛

۷- دشمن هرچند کوچک باشد، باید آن را بزرگ پنداشت و از مکر و حيله‌ی او حذر کرد، زیرا در تاریخ جهان افراد به ظاهر کوچک کارهای بزرگی انجام داده‌اند و دشمنان بزرگی را از پا درآورده‌اند. بر مرگ یک دشمن شادی نباید کرد، زیرا در دامن روزگار دشمن‌ها و دام‌های زیادی نهفته‌اند؛

۸- رازداری را به‌خصوص در امور سیاسی باید حفظ کرد، بر هیچ‌کسی اعتماد بیش از حد نباید کرد و از فاش شدن راز حتا به نزدیک‌ترین دوستان خودداری کرد.

#### سرچشمه‌ها

قرآن کریم.

آهی، محمد و مربانی ممدوح، فاطمه. (۱۳۹۳). عمل‌گرایی (پراگماتیسم) در کلیله و دمنه. متن‌پژوهی ادبی، س ۱۸، ش ۶۱، صص ۶۳-۸۲.

بخاری، محمد بن اسماعیل. (۱۴۲۲هـ. ق). صحیح بخاری، ج ۸. (تحقیق محمد فزیر بن ناصر ناصر) دمشق: دار طوق النجابهار، محمد تقی. (۱۳۸۲). سبک‌شناسی یا تاریخ تطور نثر فارسی، ج ۱. چاپ نهم. تهران: امیرکبیر.

پازارگاد، بهاء‌الدین. (۱۳۴۳). مکتب‌های سیاسی. چاپ سوم. تهران: اقبال.

خرم‌دل، مصطفی. (۱۳۹۴). تفسیر نور. تهران: احسان.

خواجه نظام الملک توسی. (۱۳۴۴). سیاست‌نامه. تصحیح محمد قزوینی و مرتضای مدرسی چهاردهی. چاپ دوم. تهران: زوار دهقانیان، جواد. (۱۳۹۰). بررسی کارکرد قدرت و فرهنگ سیاسی در کلیله و دمنه، پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی، س ۳، ش ۱، (پیاپی ۹)، صص ۹۱-۱۰۴.

خیراللهی، زهرا. (۱۳۹۱). ماهیت عقل و توانایی آن در فرایند شناخت، فصل‌نامه‌ی علمی - پژوهشی دانشگاه قم، شماره‌ی پیاپی ۵۰، صص ۱۴۹-۱۷۵.

رجایی دستغیب، ماندانا، کاوه پیشقدم، محمد کاظم و زیبایی نژاد، مریم. (۱۳۹۹). شاخص‌های کشورداری مطلوب در کلیله و دمنه. فصل‌نامه‌ی علمی زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، س ۱۱، ش ۳ (پیاپی ۲۴)، صص ۵۵-۷۲.

رحمتی کوهرودی، سلوا و السادات مصطفوی، زینب. (۱۳۹۵). تبیین نقش رهبری؛ منبع بنیادی سازمان‌های موفق، کنفرانس بین‌المللی نخبگان مدیریت، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.

سعدی، مصلح‌الدین. (۱۳۸۱). کلیات سعدی، به اهتمام محمد علی فروغی. چاپ دهم، تهران: محمد.

سیدباقری، سیدکاظم و حسنی باقری شریف‌آباد، مهدی. (۱۴۰۰). خوانش اندیشه‌ی سیاسی نصرالله منشی در مقدمه‌ی کلیله و دمنه‌ی بهرام‌شاهی بر اساس روش هرمنوتیک قصدگرایی اسکینر. فصل‌نامه‌ی علمی رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، دوره‌ی ۱۳، شماره‌ی ۱، (پیاپی ۶۷)، پاییز ۱۴۰۰، صص ۹۷-۱۲۰.

شریف‌پور، عنایت‌الله و کاشانی، محتشم. (۱۳۸۷). اندیشه‌ی سیاسی در کتاب کلیله و دمنه، نشریه‌ی دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان، ش ۲۴ (پیاپی ۲۱)، صص ۵۳-۶۹.

شیخلووند، فاطمه و مستعلی‌زاد، ته‌مینه. (۱۳۹۵). بررسی اخلاق مدیریتی در کلیله و دمنه. پژوهشنامه‌ی ادبیات تعلیمی. س ۸، ش ۳۲، صص ۱۳۷-۱۶۰.

- کارآمد، حسین و بهشتی، سعید. (۱۳۹۳). ارتباط عقل و حس در اندیشه‌ی معرفتی ابن سینا و نقش آن در برنامه‌ی درسی، دوفصل‌نامه‌ی علمی-پژوهشی تربیت اسلامی، س ۹، ش ۱۸، صص ۹۵-۱۱۶.
- فتحی، مهدی، حسینی کازرونی، سید احمد و حمیدی، سید جعفر. (۲۰۱۹). سیمای حکومت‌داری در سده‌های پنجم و ششم هجری با تکیه بر کلیله و دمنه. *Islamic Life Style Centered on Health*, V 3, Is 5, pp. 254 - 265.
- کبوتری، جواد. (۱۳۹۷). بررسی تطبیقی سیاست مدن در گلستان سعدی و کلیله و دمنه‌ی عربی. *مطالعات ادبیات تطبیقی*، س ۱۲، ش ۴۶، صص ۲۷۵-۳۰۱.
- منشی، نصرالله. (۱۳۸۲). کلیله و دمنه. با توضیح و ویرایش سید علی رضوی بهابادی. چاپ چهارم. یزد: بهاباد.
- مولوی، جلال الدین محمد بن محمد. (۱۳۸۰). مثنوی معنوی، مطابق نسخه‌ی نیکلسون (به کوشش مهدی آذریزدی). تهران: پژوهش.